



بررسی فقهی و حقوقی اصل احتیاط یا اشتغال

(تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۰۳/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۷/۰۷/۱۵)

دکتر منصور عطاشنه^۱*

استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز

بهنام اسدی**

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی و مدرس دانشگاه

چکیده

فقیه برای استنباط حکم شرعی به منابع چهارگانه رجوع می‌کند. فقیه گاهی در رجوع خود موفق و کامیاب می‌گردد و گاه نه، یعنی گاهی و البته غالباً به صورت یقینی با ظنی مبشر (یعنی ظنی که مشارع اعتبار آن را تأیید کرده است) به کلمه واقعی شرعی نائل می‌گردد. پس تکلیف روشن است یعنی می‌داند یا ظن قوی معتبر دارد که شرع اسلام از او چه می‌خواهد ولی گاهی مأیوس و ناکام می‌شود یعنی تکلیف و حکم الله را کشف نمی‌کند و بلا تکلیف و مرده می‌ماند. در این جا چه باید کرد؟ آیا مشارع یا عقل و یا هر دو وظیفه و تکلیفی در زمینه دسترسی به تکلیف حقیقی معین کرده است یا نه؟ و اگر معین کرده است چیست؟ جواب این است که آری شارع وظیفه‌ای معین کرده است یعنی یک سلسله ضوابط و قواعدی برای چنین شرایطی معین کرده است، عقل نیز در برخی موارد مؤید حکم شرع است یعنی حکم استقلالی عقل نیز عین کلمه شرع است و در برخی موارد دیگر حداقل ساکت است یعنی حاکم استقلال ندارد و تابع شرع است.

واژگان کلیدی: اصل احتیاط، اصل اشتغال، اصول عملیه، شبهه موضوعیه تحریمه

^۱ نویسنده مسئول



بخش اول: مجاری اصول عملیه

اصول عملیه زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که در منابع چهارگانه فقه دلیلی برای حل مشکل وجود نداشته باشد. رون است که جهل و شک مکلف محور اصلی مباحث اصول عملیه را تشکیل می‌دهد. زیرا اساساً تمسک به اصول چهارگانه عملیه منوط به عدم دستیابی به دلیل اجتهادی برای تبیین حکم شرعی است که در این صورت به خاطر وجود شک و جهل نسبت به حکم شارع باید راه چاره‌ای جست که ان هم طبق توصیه خود شارع تمسک به اصول عملیه است. این که می‌گوییم طبق توصیه خود شارع، نشانگر این است که استدلال برای اثبات حجیت اصول عملیه باید از طریق دلیل اجتهادی انجام گیرد، هرچند خود اصول دلیل فقها هتی هستند.

بند اول: بررسی فقهی چهار اصل عملی

اصول عملیه که در همه ابواب فقه مورد استعمال دار و چهار مورد است: (۱) اصل برائت (۲) اصل تغییر (۳) اصل احتیاط (۴) اصل استصحاب اصل سوم از اصول عملیه عبارتست از اصاله الاحتیاط و مجرای این اصل جایی است که تفصیلاً جنس تکلیف را می‌دانیم که مثلاً الزامی هست و تفصیلاً نوع آن را هم می‌دانیم که مثلاً وجوب است ولی مکلف به واجب یا حرام بر ما مشتبه شده است و ضمناً هم احتیاط میسور است مثلاً علم اجمالی دارم که یا شب این مایع بر من حرام است و یا آن دیگری، علم اجمالی دارم که یا ظهر واجب است یا جمعه یا قصر یا اتمام و... احتیاط به اینست که در اولی از هر دو اجتناب و در دو مثال بعدی جمع بین آنها و امتثال به هر دو صورت گیرد.

حال صورشک در مکلف به: به طور کلی گاهی دوران بین متباینین است مثل مثال‌های مذکور و گاهی دوران بین اقل و اکثر که در جای خود توضیح داده و فرق اینها را روشن می‌کنیم. گاهی بحث ما راجع به متباینین است در اینجا هم گاهی شبهه موضوعیه است و منشأ شک موضوع الحکم است نه حکم شرعی و خطاب شارع و گاهی شک شبهه حکمیه است یعنی در نفس حکم شرعی شک داریم و در هریک از دو صورت گاهی شبهه تحریمیه است



یعنی دوران امر بین حرمت این و آن است و گاهی وجوبیه است که نمی‌دانیم این واجب است یا آن مجموع سور در این بخش چهار صورت می‌شود.

بند دوم: اقسام شک در مکلف به

شک یا در موضوع است [شبهه موضوعیه] که خود به دو صورت است: ۱- شبهه موضوعیه تحریمیه که این نیز خود به دو صورت است: الف) محصوره ب) غیرمحصوره ۲- شبهه موضوعیه وجوبیه که این نیاز دارای دو مشکل است. الف) دایر میان متباینین ب) دایر میان اقل و اکثر ارتباطی استفاده شده یا شک در حکم است [شبهه حکمیه] که خود نیز به دو صورت است: ۱- شبهه حکمیه تحریمیه ۲- شبهه حکمیه وجوبیه این نیز خود دو شاخه دارد. الف) وایر میان متباینین ب) دایر میان اقل و اکثر ارتباطی - استقلالی

بخش دوم: قسم اول (شبهه موضوعیه تحریمیه)

حال شبهه موضوعیه تحریمیه دارای دو شعبه و دو نوع است:

الف) بررسی شبهات محصوره: در رابطه با این مورد یک مثال می‌زنیم. دو ظرف که یکی نجس و یکی پاک است و با هم اشتباه شوند و دقیقاً ندانیم کدام یک نجس و کدام یک پاک است، اما اجمالاً بدانیم که یکی پاک و یکی نجس است پس علم اجمالی داریم که یک ظرف نجس که مردد بین دو ظرف است وجود دارد. در اینجا چند احتمال و چند سؤال وجود دارد: آیا علم اجمالی به وجود ظرف نجس تکلیف را بر ما ثابت می‌کند یعنی استفاده از ظرف نجس در هر صورت حرام است. هر چند دقیقاً علم به آن نداشته باشیم؟ [یعنی هر دو ظرف را باید ترک کنیم] یا در هر دو طرف باید اصول عملیه‌ای همچون اصل طهارت و برائت جاری کنیم؟ [یعنی از هر دو ظرف می‌توان استفاده کرد] یا اصل عملی فقط در یک ظرف جاری می‌شود:

نظر شیخ انصاری: این است که به طور کلی گاهی اطراف شبهه محصوره از مقوله واحده و در تحت یک ماهیت داخل هستند فی المثل هر دو مایع آب هستند که اجمالاً می‌دانیم احدهما حرام و دیگری حلال است تا به حال حکم این فرض بیان شده آن اینکه علم اجمالی منجز است و مخالف قطعیه با آن حرام است چه اینکه موافقت قطعیه با آن واجب است و گاهش مشخصات و اطراف شبهه از یک مقوله نبوده و در تحت یک ماهیت کلیه داخل نیستند بلکه از



دو مقوله و هر کدام در یک ماهیت داخل هستند. مثل اینکه اجمالاً می‌دانیم ی فلان ظرف آب نجس است و یا فلان جامعه نجس است که ظرف آب از مایعات و در شرب مستعمل است ولی لباس از مقوله دیگر در بس مصرف دارد و از یک وادی نیستند طبق این مثل متوجه می‌شویم که شیخ قائل به تفصیل شده‌اند و در بخش اول علم اجمالی را منجز دانسته‌اند اما در بخش دوم برای علم اجمالی تأثیری قائل نیستند. (نظر مرحوم صاحب حدائق نیز چنین است)

نظر مرحوم آخوند: به طور کلی مقالات شی پاک یا یکی از دو طرف شبهه سه نوع است: (۱) گاهی این ملاقات قبل از حصول علم اجمالی تحقق می‌یابد و بعد علم اجمالی می‌آید. (۲) گاهی ملاقات همزمان با حصول علم اجمالی به نجاست احدهما است. (۳) گاهی ملاقات پس از علم اجمالی حاصل می‌شود. اگر ملاقات قبل از علم اجمالی باشد یا مع العلم حاصل شود در این صورت حکم می‌شود به نجاست و اگر بعد از علم اجمالی اصل شود حکم می‌شود به طهارت. نظریه مشهورتر و بهتر یعنی مخالفت با علم اجمالی حرام است و عقلاً نمی‌توان از هر دو ظرف با هم استفاده کرد و همچنین موافقت با علم اجمالی به تکلیف واجب است یعنی عقلاً نمی‌توان هر دو طرف را مرتکب شد. این موارد شبهه بین دو مورد بود. حال برخورد کردن طرف سوم با یک طرف شبهه اگر اصول عملیه با علم اجمالی قابل جمع باشد نسبت به طرف سوم باید احتیاط کرد اما اگر اصول عملیه با علم اجمالی قابل جمع نباشد به طرف ملاقات کنند احتیاط جاری می‌شود چون اصل سبب و مسبب مانع برائت است و شبهه از دو طرف به سر طرف توسعه پیدا می‌کند (این نظر علامه حیدری است) (اما نظر شیخ انصاری) این است که باید برائت جدی شود چون میان آنها ملازمه‌ای نیست (نظر مرحوم آخوند) این است که اگر ملاقات قبل از علم اجمالی باشد احتیاط جدی می‌شود و اگر ملاقات بعد علم اجمالی باشد اصل طهارت و برائت جاری می‌شود. در صورت اضطرار به ارتکاب یکی از افراد شبهه، آیا علم اجمالی منجز است؟

مثال: به طور کلی گاهی اضطرار به احدهما العمین حاصل می‌شود مثلاً دو مایع دارد که یکی آب و دیگری شربتی است و او مضطر شده برای رفع عطش که معیناً از آب استفاده کند و غیر آب رافع عطش نیست و گاهی اضطرار به احدهما لاعلی‌الیقین است مثل اینکه هر دو کاسه



آب هستند ولی برای رفع عطش به یکی از آندو نیازمند است در هریک از این دو صورت گاهی اضطرار قبل از علم اجمالی حاصل می‌شود و گاهی همزمان با علم اجمالی و گاهی بعد از علم اجمالی به نجاست احدهما حاصل می‌شود و مجموع شش صورت می‌شود ولی در صورتیکه اضطرار همزمان با علم حاصل شود چه به احدهما المعین و چه غیر معین در حقیق ملحق است به دو صورت حصول اضطرار قبل العلم و لذا نیازی به بیان ندارد و عمده بیان حکم چهار صورت دیگر است:

- ۱- مرحوم آخوند نظر صاحب کفایه می‌فرمایند: علم اجمالی وقتی اثر دارد که ضرورتی در کار نباشد و با آمدن اضطرار تأثیر آن از بین می‌رود و در یک کلام اضطرار مطلقاً مانع از تأثیر علم اجمالی و تفخیر آن است نسبت به طرف دیگر و مطلقاً یعنی هر چه به احدهما المعیت و یا غیر معین، چه اضطراری قبل و چه بعد و چه معیت داشته باشند و هم افراد شبهه مباح می‌شوند.
- ۲- مرحوم شیخ انصاری تفصیل داده‌اند و خلاصه‌اش اینک: اگر اضطرار بعد از علم اجمالی بیاید علم اجمالی منجز است چه به احدهما المعین و چه احدهما المخیر و اگر قبل از علم اجمالی حاصل شده چنانچه به احد هما العین باشد مانعیت پیدا کرده و جلو تنجیز علم اجمالی را می‌گیرد ولی اگر به احدهما لاعلی‌الیقین تعلق بگیرد باز مانع از تأثیر نشده و نسبت به طرف دیگر جلوی علم اجمالی را نمی‌گیرد یعنی احتیاط باید کرد.

بند اول: اطراف شبهه تدریجی الحصول

گاهی اطراف شبهه تدریجی الحصول است و حرام واقعی مردد است میان دو یا چند امری که برخی از آنها بالفعل موجودند و بعضی دیگر بالقوه و در آینده تدریجاً موجود می‌شوند و هیچگاه همه اطراف در زمان واحد و آن واحد مجتمع نمی‌شوند. مثال: الف) مولائی عبد خودش را از انجام کاری منع فرموده ولی امر بر عبد مشتبه شده و نمی‌داند که آیا امروز از انجام آن کار ممنوع و منهی است و یا فردا که از راه می‌رسد نباید فلان کار را انجام دهد که یک طرف شبهه امروز و طرف دیگر فردا. خلاصه آینده است.

بحث این است که همان طوریکه در امور دفعیه علم اجمالی منجز تکلیف بود و موافقت قطعی یا احتیاط واجب بود آیا در امور تدریجیه هم کذلک یعنی علم اجمالی منجز است و



مخالف قطعیه حرام و موافقت قطعیه واجب است مطلقاً؟ یا مطلقاً واجب نیست؟ یا تفصیل در کار است؟

۱- مرحوم آخوند صاحب کفایه فرموده: در تدریجات نسبت به هم اطراف رجوع به اصل می‌شود و علم اجمالی مؤثر نیست و ارتکاب هم اطراف جایز است.

۲- مرحوم محقق نائینی (ره) فرموده: در تدریجات هم مثل دفعیات رجوع به اصل در هیچکدام از طرفین جایز نیست و باید به تدریج که پیش می‌رود از همه اطراف اجتناب کند.

۳- مرحوم شیخ انصاری تفصیل داده مابین مواردی که ملاک تکلیف در امر متأخر و مستقبل از الان فعلی و تام باشد و آتیۀ صرفاً ظرف وقوع باشد و قیدیت نداشته باشد که در این جا فرقی با ضایعات ندارد و باید از همه اطراف اجتناب شود و در مواردی که ملاک الان فعلی و تام نیست و زمان متأخر قیدیت دارد و در اصل ملاک و مفسده دخیل است در آنجا علم اجمالی منجر نیست و موافقت قطعیه واجب نیست بلکه ارتکاب جایز است.

بند دوم: شبهه غیر محصوره

در مرحله اول به تعاریف فراوانی که برای شبهه غیر محصوره بیان شده اشاره می‌کنیم: الف) عده‌ای از فقهای عظام از قبیل شهید ثانی و صاحب مدارک فرموده‌اند: غیر محصوره آن است که شمارش اطراف شبهه در آن آسان نباشد به عبارت دیگر عسر داشته باشد.

ب) جناب محقق ثانی تعریفی که ارائه نموده‌اند چنین است: غیر محصوره آن است که شمارش آن در زمان قلیل و قصیر آسان نباشد هرچند در زمان طویل دشوار نباشد.

ح) مرحوم میرزای نائینی فرموده: غیر محصوره آن است که عادتاً ارتکاب همه اطراف آن برای مکلف ممکن نباشد یعنی مقدور نیست که همه را مرتکب شود.

د) مرحوم شیخ انصاری در رسائل فرموده: غیر محصوره آن است که احتمال تکلیف در آن مرحوم باشد یعنی یک احتمال وهمی و ضعیفی که عقلاً عالم بدان اصلاً اعتنا ندارند.

نظریه بهتر همین نظریه است چون شبهه محصوره و غیر محصوره را نمی‌توان جهت تعریفی مشخص آورد بلکه حسب موارد مختلف فرق می‌کند.



نظر شیخ انصاری چنین است که عندالمشهور در شبهه غیر محصوره اصاله البرائه جاری می‌شود نه اصاله الاحتیاط و برای اثبات این مطلب چند دلیل آورده که (۱) اجماع (۲) سیره عملیه عقلا (۳) روایات

جریان اصل برائت در شبهه غیر محصوره موردنظر اکثر اصولیون است.

بند سوم: شبهه حکمیة تحریمه

قسم اول پیرامون شبهه موضوعیه تحریمیه بود که از اهمیت بیشتری برخوردار بود و لذا اول ذکر شد و در دو نوع محصوره و غیر محصوره بررسی شد. و اینک قسم دوم از اقسام شک در مکلف به شبهه حکمیة تحریمیه است یعنی شک ما در حکم شرعی است آن هم حکم تحریمی که نمی‌دانیم آیا فلان عنوان در اسلام حرام است یا فلان عنوان دیگر. همانگونه که کراراً تا به حال گفته شده در شبهه حکمیة گاهی منشأ شبهه فقدان نص است یعنی صرفاً دیده‌ایم که نصف است می‌گویند مثلاً در نامه غیبت صلوه ظهور در روز جمعه حرام است و نصف دیگر می‌گویند جمعه حرام است و مانعی بر یقین نداریم لذا امر بر ما مشتبه شده است. به گاهی منشأ شبهه جمال دلیل است مثل اینکه گویند غنا حرام است ولی ما نمی‌دانیم معنای غنا چیست؟ آیا صوت مطرب را گویند؟ یا صوت مرجع را؟ گاهی منشأ شبهه تعارض دو نص است مثلاً نصی دلالت کرده بر اینکه مراد صوت مطرب است و دیگر گفته منظور از عناء صوت مرجع است.

۱- نظر علامه حیدری چنین است که حکم شک در مکلف به درجایی که علت شک فقدان دلیل یا اجمال دلیل باشد مانند حکم شبهه موضوعیه تحریمیه باید احتیاط نمود و همه افراد را مشتبه را ترک کرد اما اگر علت شک تعارض دلیل باشد ظاهراً باید تغییر جاری کرد یعنی مکلف می‌تواند هر کدام را خواست انجام دهد.

در شبهه حکمیة تحریمیه همه جا شبهه مصوره است و ما سراغ نداریم موردی را که به صورت غیر محصوره باشد.

بند چهارم: شبهه حکمیة و موضوعیه جوییه مردد میان دو چیز متباین

نوع اول از انواع چهارگانه شبهات و جوییه پیرامون شبهه و جوییه حکمیة دوران بین متباینین است و همان طوری که در شبهه حکمیة تحریمیه (آن هم محصوره) سه مسئله داشتیم: (۱)



فقدان نص (۲) اجمال نص (۳) تعارض نصین همان احکامیکه در سه مسئله شبهه حکمیه تحریمیه بیان شد. در این سه مسئله شبهه حکمیه وجوبیه هم هست و آن این گونه: اگر منشأ شبهه فقدان یا اجمال نص یا دلیل باشد باید احتیاط کرد و به عبارت دیگر مخالف قطعی با این علم اجمالی مردم و موافقت قطعی واجب است. با این تفاوت که در شبهه تحریمیه احتیاط و موافقت قطعی به این بود که از جمیع اطراف شبهه اجتناب کنیم ولی در شبهه وجوبیه احتیاط به این است که جمیع اطراف را به جا آوریم. (نظر علامه حیدری و مشهورین)

۱- جناب محقق قمی ره و محقق خوانساری ره با مشهور مخالف کرده‌اند و آن اینکه به عقیده مشهور در شبهات و وجوبیه علم اجمالی منجز تکلیف بود و مخالفت قطعی حرام و موافقت قطعی واجب شد ولی به عقیده این دو بزرگوار علم اجمالی مؤثر نیست و موجب فعلیت و تنجز واقع نمی‌شود و موافقت با آن واجب نیست. نوع دوم از انواع چهارگانه شبهات وجوبیه پیرامون علم اجمالی و شبهه وجوبیه موضوعیه و دوران بین متباینین یا متباینات است. مثال: علم اجمالی داریم که یک نمازی از ما فوت شده ولی مردد است بین نماز صبح و نماز ظهر و منشأ شبهه امور خارجیه نه خط بشارع یا مثلاً علم اجمالی داریم که یک از دو ساق نجس است و نماز خواندن با یکی از آن دو واجب است ولی تفصیلی نمی‌دانیم.

حکم شبهه وجوبیه موضوعیه همانند حکم شبهه تحریمیه موضوعیت است و آن عبارتند از اینکه مخالفت قطعی حرام و موافقت قطعی واجب است و باید احتیاط کرد با این تفاوت که در شبهه تحریمیه احتیاط در ترک مشتجعین بود و در شبهه وجوبیه احتیاط به فعل یا انجام همه اطراف است.

بند پنجم: شبهه حکمیه وجوبیه و دوران بین اقل و اکثر ارتباطی

نوع سوم از انواع اربعه شبهه وجوبیه پیرامون شبهه حکمیه وجوبیه و دوران بین اقل و اکثر ارتباطی است که اجمالاً می‌دانیم یا مشارع مقدس اقل را در حق ما واجب فرموده و یا اکثر ولی تفصیلاً نمی‌دانیم: این مسئله خود شعب مختلفی دارد:

۱) شک در جزئیت خارجه - مثلاً نمی‌دانیم که آیا مهره جزء نماز هست یا نه؟

۲) شک در شرطیت خارجه - مثلاً نمی‌دانیم که نماز با استقبال واجب است یا بدون آن؟



۳) شك در مانعیت - مثلاً شك کنیم آیا غیبت مکان مانع از هست و نماز به مقید به عدم آن واجب است یا مانع؟

۴) شك در قاطعیت آیا شرب جزئمه واحد یا اکل لقمه واحده قاطع است یا خیر؟

۵) شك در قیومیت و جزئیت ذهنیه - مثل اینکه شك کنیم که آیا مطلوب مولی جنس است یا نوع.

حال پس از عنایت به سور مسئله می‌گوییم: در هر یک از این صور شك مابین جزئیت، مشروطیت، مانعیت ... و به عبارت دیگر دوران بین اقل و اکثر سه مسئله دارد:

۱- گاهی منشأ شبهه فقدان نص است. ۲- گاهی منشأ شبهه اجمال نص است و ۳- گاهی منشأ شبهه تعارض در نص است.

در رابطه با دوران بین اقل و اکثر و فقدان نص و اجمال نص چند نظریه وجود دارد:

۱) اکثر فقهاء عامه و خاصه، متقدم و متأخر عقیده دارند به اینکه اقل را که متیقن است باید انجام داد و نسبت به اکثر اصل برائت از جزئیت و مشروطیت و مانعیت در قیدیت جاری می‌شود و اتیان اکثر لازم نیست.

۲) شیخ انصاری فرموده: اکثر واجب نیست و نسبت به اکثر هم برائت عقلیه و هم تقلید هر دو قابل جریان است.

۳) مرحوم محقق سبزوای صاحب الذخیره و کفایا الاحکام و مرحوم شریف العلماء مازندرانی بر آنند که در دوران بین اقل و اکثر، اکثر واجب است و باید نماز با سوره را به جا آوریم به و اقل قناعت نکنیم.

۴) مرحوم آخوند خراسانی به پیروی از مرحوم محقق نائینی تفصیل داده‌اندن میان برائت عقلی و نقلیه - از نظر عقلی فرموده‌اند مجرای اصاله الاحتیاط است و باید اکثر اتیان کرد ولی از حیث نقلی مجرای اصل برائت است.

۵) طبق نقل مرحوم شیخ انصاری: تفصیل دیگری داده و آن اینکه از نظر عقلی نسبت به اکثر اصل برائت جاری می‌شود ولی از نظر نقلی مجرای اصاله الاحتیاط است.

در رابطه با دوران بین اقل و اکثر و تعارض در نص:



تا به حال راجع به فقدان نصل اجمال آن گفت و گو شد حال اگر منشأ شبهه تعارض در نص باشد مثلاً حدیثی گفته سوره واجب است و حدیث دیگر گفته واجب نیست واحد به ما مشبته شده که نماز با سوره واجب است یا بدون آن چه باید کرد؟ ظاهر تعبیرات مشهور این است که الحکم هو التخییر (مبنی بر تخییر).

اما شیخ انصاری مطلب را تقسیم می‌کند به اینکه اگر یک مطلق یا عام سلیم را معارضی داشتیم که نوبت به تخییر نمی‌رسد بلکه می‌گوییم. متعارضین تساقط می‌کنند و نوبت می‌رسد به مراجعه به آن مطلق یا عام سالم از معارض. اما اگر دلیل اجتهادی سالم از معارض در کار نبود مثل اینکه ما قائل بودیم که الفاظ عبادات برای تصحیح وضع شده‌اند و الان نمی‌دانیم بر نماز بدون سوره لفظ صلوه اطلاق می‌شود یا نه در این صورت خطاب مجمل شده و قابل تمسک نیست و وجودش نسبت به سوره مثل عدم است بناچار متعارضین می‌مانند و بس و حکم تخییر خواهد بود.

بند ششم: شبهه موضوعیه و جوییه و دوران بین اقل و اکثر ارتباطی

نوع چهارم از انواع شبهه جوییه پیرامون شبهه موضوعیه و جوییه و دوران بین اقل و اکثر ارتباطی است. در اینکه آیا احتیاط لازم است و باید اکثر را به جا آوریم یا نه؟ چند نظریه وجود دارد:

۱- شیخ انصاری می‌فرماید: باید احتیاط کرد و اتیان اکثر نمود و جای اجرا برائت نسبت به اکثر نیست نه برائت عقلی و نه نقلی.

۲- نظر علامه حیدری چنین است که قائل به تفصیل شده است بدین گونه که اگر شک ما در تحصیل کننده واجب یا شک در محصل عنوان یا در محصل عرض باشد باید احتیاط کرد و اکثر را به جا آورد و حکم اینجا مثل حکم شبهه حکمیه است مثل این حالت، جایی که روزه یک ماه مابین در هلال واجب است و شک کنیم که این عنوان با سی روز محقق می‌شود و یا بیست و نه روز؟ در اینجا حتماً باید احتیاط کرد. اما اگر شک ما در تحصیل این عنوان نباشد بلکه صرفاً شک در اطاعت و امثال است مثلاً اگر بدانیم کدام تمام علومهای شهر یعنی مجموعه آنان واجب است به گونه‌ای که اگر یک نفر از آنان نیز کدام نشود، تکلیف ساقط



نمی‌شود [یعنی نسبت به اکثر براءت جاری می‌کنیم] در صورتی که کدام زید را واجب ندانیم. اما اگر زید را جزء علوی بدانیم و احترام او را واجب بدانیم باید اصل احتیاط جاری کرد. اگر شك در مانعیت باشد مثلاً در لباس نمازگزار شك شود که آیا از حیوان مأکول اللهم است یا خیر:

۱- جناب شیخ انصاری قائل به جریان اصل براءت عقلی و نقلی هستند.

۲- جناب علامه حیدری نیز قائل به اصل براءت و جواز کار می‌داند.

نتیجه گیری

خلاصه مطلب از اول اصاله الاحتیاط تا به آخر این است که:

هر گاه علم اجمالی به اصل تکلیف الزامی داشته باشیم و شك ما در مکلف به باشد و احتیاط هم ممکن باشد در این صورت به طور کلی با شبهه تحریمیه است یا وجوبیه و شبهه تحریمیه با موضوعیه است یا حکمیه و شبهه موضوعیه هم یا محصوره است یا غیر مهم ره و اینک احکام این اقسام.

در شبهه موضوعیه محصوره تحریمیه: باید احتیاط کرد و از همه اطراف شبهه اجتناب نمود و در شبهه غیر محصوره احتیاط و اجتناب از همه اطراف لازم نیست. در شبهه حکمیه هم اگر منشأ شبهه فقدان یا اجمال نص باشد باز باید احتیاط کرد و از همه اطراف شبهه اجتناب کرد و اگر منشأ شبهه تعارض در نص باشد حکم تخیر است و اما شبهه وجوبیه: ان نیز یا حکمیه بود یا موضوعیه و در هر کدام یا تردد بین المتباینین بود و یا اقل و اکثر ارتباطی و یا غیر ارتباطی:

در اقل و اکثر غیر ارتباطی: نسبت به اکثر اصل براءت جاری شد بالاتفاق و در دوران بین متباینین حکم این شد که باید احتیاط کرد و همه اطراف را مرتکب شد لا فرق بین شبهه حکمیه و موضوعیه و در دوران بین اقل و اکثر ارتباطی هم اگر شبهه کلیه باشد به عقیده اکثر و شهر نسبت به اکثر اصل براءت جاری می‌شود ولی به عقیده علامه حیدری در باب فقدان نص یا اجمال نص تفصیل داده‌اندن میان شك در محصل واجب و عنوان احتیاط را برگزیدند و در تعارض دو نص حکم به تخیر داده‌اند. اما در شبهه موضوعیه اگر شك در محصل واجب یا عنوان باشد باید احتیاط کرد و اگر در غیر آن باشد اصل براءت را اقوی می‌داند.



منابع و ماخذ

الف) فارسی

- ۱- قافی حسین، شریعتی سعید (۱۳۹۶). اصول فقه کاربردی. تهران، انتشارات سمت.
 - ۲- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۵). قواعد عمومی قراردادها. تهران، شرکت سهامی انتشار.
 - ۳- ابهری، حمید، ایزدی فرد، علی اکبر، قاضی، حسین (۱۳۹۰). کاربرد استصحاب در قوانین مدنی ایران، مجله فقه و حقوق اسلامی، دوره ۲، شماره ۴
 - ۴- سلطان احمدی جلال، منائی حمید (۱۳۹۴). ماهیت پول پیش در اجاره املاک مسکونی، ماهنامه کانون و کلا، شماره ۱۵۰
 - ۵- عرب خزائی عباس، عسکری علیرضا، احمدی محمد مهدی (۱۳۹۵). اصل عملی یا اماره بودن استصحاب و اثرات آن بر اصول و فقه، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، دوره ۱۲، شماره ۴۳
 - ۶- کاتوزیان، امیرناصر (۱۳۸۴). تفسیر قرارداد، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، دوره ۷۰، شماره ۰، صفحات ۲۷۷-۳۰۸
- ب) عربی
- ۷- خمینی، سید روح الله موسوی (۱۴۲۱ق). کتاب البیع. تهران، مؤسسه نشر آثار امام خمینی.
 - ۸- فخرالمحققین، محمد بن حسن (۱۳۸۷). ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد. قم، مؤسسه اسماعیلیان.
 - ۹- سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۰۸). الوسیط فی اصول الفقه. قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام. چاپ چهارم.
 - ۱۰- شهید ثانی (عاملی)، زین الدین بن علی الجبعی (۱۴۳۰ق). الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة. قم، ذوی القربی.
 - ۱۱- شیرازی، سید محمد حسینی (۱۴۲۲ق). ایصال الطالب إلى المکاسب. تهران
 - ۱۲- صدر، محمد باقر (۱۴۱۷ق). بحوث فی علم الأصول. قم، مؤسسه دایره المعارف فقه
 - ۱۳- میرزای شیرازی، محمد تقی (۱۴۰۹ق). تقریرات فی اصول الفقه. قم، مؤسسه آل البيت.